



پژوهش روزگار

ترجمان صبح

بررسی اشعار شفیعی کدکنی
براساس نقد عاطفه
و همسویی آن با صورخیال
دکتر بشیر علوی





دکتر پشیر علوی

پژوهشی در زمینه اشعار شافعی در کتب
بر اساس تفحصات و همسوسازی آن با صورتخطی
مخطوطات

زندگی و آثار



سرشناسه: علوی، بشیر، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور: ترجمان صبح: بررسی اشعار شفیعی کدکنی براساس نقد عاطفه و همسویی آن با صورخیال/بشیر علوی
مشخصات ظاهری: ۳۹۰ ص.

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۱۸ - - نقد و تفسیر
موضوع: شعر فارسی - - قرن ۱۴ - - تاریخ و

موضوع: 20th century -- History and criticism -- Persian poetry

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۱۸۶ ف/۹۵ PIR۸۱۲۳

رده بندی دیویی: ۸۱۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۹۳۴۱۲

شابک: ۷۸-۹۶۴-۳۷۴-۷۹۱-۶



ترجمان صبح

بررسی اشعار شفیعی کدکنی
براساس نقد عاطفه و همسویی آن با صورخیال

مؤلف: دکتر بشیر علوی

نشر روزگار

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

طراح جلد: پریسا عزیزی

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: تفرید

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۴-۷۹۱-۶

نشانی دفتر و فروشگاه: خ انقلاب - خ دانشگاه - جنب شهدای ژاندارمری

مرکز خرید دانشگاه طبقه زیر همکف - پلاک ۴

تلفن: ۶۶۹۵۸۱۴۰

تلگرام: ۰۹۹۰۰۳۷۳۸۵۶

www.nashreroozegar.com

rozegar.no@gmail.com

خرید مستقیم از طریق ربات تلگرام:

@roozegarstorebot

تقدیم به:

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

فهرست

پیشگفتار	۱۱
مقدمه	۱۵
فصل اول: زندگینامه دکتر شفیعی کدکنی	۲۳
فصل دوم: بررسی عاطفه و محورهای آن	۳۵
۱-۲: مقدمه	۳۷
۲-۲: عاطفه در شعر	۳۸
۱-۲-۲: عواطف فردی	۴۷
۲-۲-۲: عواطف اجتماعی	۵۰
۳-۲-۲: عواطف بشری و انسانی	۵۲
۳-۲: شفیعی و عاطفه شعری	۵۶
۱-۳-۲: عاطفه فردی در شعر شفیعی	۶۰
۱-۱-۳-۲: معشوق و عشق و امور مربوط به آن	۶۲
۲-۱-۳-۲: بازگشت به گذشته	۷۱
۳-۱-۳-۲: گذشته اندیشی (نوستالژی) فردی	۷۳
۱-۳-۱-۳-۲: نوستالژی یاد زادگاه	۷۳
۲-۳-۱-۳-۲: نوستالژی دوران کودکی و جوانی	۷۷
۳-۳-۱-۳-۲: نوستالژی جمعی	۷۹
۴-۳-۱-۳-۲: نوستالژی هویت ملی و فرهنگی	۸۰
۵-۳-۱-۳-۲: نوستالژی نگاه به اساطیر ایران	۸۳
۶-۳-۱-۳-۲: احساس تنهایی	۸۸

- ۹۱ ۱-۲-۳-۲: ناامیدی و فقر و بیچارگی و عدم آرامش جامعه
- ۹۵ ۲-۲-۳-۲: رنج جامعه و دردمند بودن مردم
- ۹۶ ۳-۲-۳-۲: خفقان و قتل و کشتار و خون و خونریزی
- ۱۰۲ ۴-۲-۳-۲: آرزوی داشتن جامعه‌ای خوب و تغییر آن
- ۱۰۳ ۵-۲-۳-۲: نبود فردی انقلابی و شورشگر
- ۱۰۴ ۶-۲-۳-۲: آزادی و رهایی
- ۱۰۷ ۷-۲-۳-۲: وضعیت نابسامان جامعه
- ۱۰۹ ۸-۲-۳-۲: یاد و ذکر مبارزان و آزادی خواهان
- ۱۱۴ ۹-۲-۳-۲: اعتراض و شورشگری و امید به پایداری
- ۱۱۷ ۱۰-۲-۳-۲: استمرار ظلم و عدم تغییر جامعه
- ۱۱۹ ۱۱-۲-۳-۲: یاد کردی از وقایع تاریخی
- ۱۱۹ ۱۲-۲-۳-۲: فریب و مکر دیکتاتوران و استمرار آن‌ها
- ۱۲۱ ۱۳-۲-۳-۲: سانسور و زندان
- ۱۲۲ ۱۴-۲-۳-۲: درک فریاد کودکان گرسنه
- ۱۲۲ ۱۵-۲-۳-۲: استعمارگرایی نیویورک
- ۱۲۲ ۱۶-۲-۳-۲: شماتت خود در جهت عدم فریادسرای
- ۱۲۳ ۱۷-۲-۳-۲: عدم وابستگی به تمدن خود
- ۱۲۴ ۱۸-۲-۳-۲: تصویری از جامعه زیبای گذشته ایران
- ۱۲۵ ۱۹-۲-۳-۲: تفاوت جامعه شرق و غرب
- ۱۲۹ ۳-۳-۲: عواطف بشری و انسانی در شعر شفیعی
- ۱۳۲ ۱-۳-۳-۲: آرزوی وصال و یک خلوتی قلبی و معنوی
- ۱۳۴ ۲-۳-۳-۲: نگرانی از گذشت عمر
- ۱۳۸ ۳-۳-۳-۲: آرزوی فهم و درک جهان دیگر
- ۱۴۱ ۴-۳-۳-۲: سوال و جواب‌های هستی

- ۱۴۳ ۵-۳-۳-۲: حلول در هستی
- ۱۴۶ ۶-۳-۳-۲: مرگ
- ۱۵۰ ۷-۳-۳-۲: امیدواری به عمر دوباره و ادامه بودن هستی
- ۱۵۲ ۸-۳-۳-۲: تنهایی و غم و هبوط و اضطراب انسانی
- ۱۵۴ ۹-۳-۳-۲: اغتنام فرصت و بودن
- ۱۵۶ ۱۰-۳-۳-۲: شناخت خدا و اشاره به او
- ۱۵۸ ۱۱-۳-۳-۲: دعا و نیایش
- ۱۵۹ ۱۲-۳-۳-۲: شعر و علم و عظمت آن‌ها
- ۱۶۱ ۱۳-۳-۳-۲: دید تازه به زندگی و درک زیبایی‌های جهان
- ۱۶۳ ۱۴-۳-۳-۲: نام پیامبران و معجزات
- ۱۶۴ ۱۵-۳-۳-۲: عشق
- ۱۶۶ ۱۶-۳-۳-۲: چرکین بودن هستی و پلیدی روزگار
- ۱۷۱ فصل سوم: صور خیال و بن‌مایه‌ها
- ۱۷۳ ۱-۳: مقدمه
- ۱۷۴ ۲-۳: صورخیال و تأثیر آن در عاطفه
- ۱۸۴ ۱-۲-۳: تشبیه
- ۱۸۶ ۲-۲-۳: استعاره
- ۱۸۸ ۳-۲-۳: تشخیص
- ۱۹۰ ۴-۲-۳: نماد
- ۱۹۳ ۵-۲-۳: پارادوکس
- ۱۹۶ ۶-۲-۳: کنایه
- ۱۹۸ ۷-۲-۳: حس آمیزی
- ۲۰۱ ۸-۲-۳: اغراق
- ۲۰۲ ۹-۲-۳: مجاز

- ۳-۳: بنمایه‌های شعری و تأثیر آن در عاطفه ۲۰۴
- ۱-۳-۳: طبیعت ۲۰۴
- ۲-۳-۳: عوامل بومی ۲۰۶
- ۳-۳-۳: مطالعات شاعر ۲۰۷
- ۴-۳-۳: فضای سیاسی ۲۰۸
- ۵-۳-۳: اساطیر ۲۰۸
- ۶-۳-۳: عناصر پیرامون زندگی شاعر ۲۰۹
- فصل چهارم: بررسی صورخیال و گونه‌های آن در شعر شفیعی ۲۳۷
- ۱-۴: مقدمه ۲۳۹
- ۲-۴: بومی‌گرایی ایماژهای شفیعی ۲۴۰
- ۱-۲-۴: تصاویر بومی عاطفه فردی در شعر شفیعی ۲۴۲
- ۱-۱-۲-۴: تصاویر زادگاهی ۲۴۲
- ۲-۱-۲-۴: تصاویر حاصل از مطالعات ۲۴۳
- ۳-۲-۴: تصاویر بومی عاطفه اجتماعی و شعر شفیعی ۲۴۳
- ۱-۳-۲-۴: تصاویر اقلیمی ۲۴۳
- ۳-۳-۲-۴: تصاویر حاصل از مطالعات ۲۴۷
- ۴-۲-۴: تصاویر بومی عاطفه بشری و انسانی در شعر شفیعی ۲۴۸
- ۱-۴-۲-۴: تصاویر اقلیمی و زادگاهی ۲۴۸
- ۲-۴-۲-۴: تصاویر حاصل از مقالات ۲۵۰
- ۳-۴: مادی یا انتزاعی بودن تصاویر ۲۵۱
- ۴-۴: پویایی و ایستایی ۲۵۶
- ۵-۴: رنگ در ایماژ ۲۵۷
- ۶-۴: نوع فعل و کارکرد آن در پویایی تصاویر ۲۶۳
- ۷-۴: نوع ایماژ در پویایی و ایستایی شعر ۲۷۰

- ۲۷۵ ۱-۷-۴: تشبیه در عواطف فردی
- ۲۷۶ ۲-۷-۴: تشبیه در عواطف اجتماعی
- ۲۷۶ ۳-۷-۴: تشبیه در عواطف بشری و انسانی
- ۲۷۷ ۴-۷-۴: استعاره در عاطفه فردی
- ۲۷۸ ۵-۷-۴: استعاره در عواطف اجتماعی
- ۲۷۹ ۶-۷-۴: استعاره در عواطف بشری و انسانی
- ۲۸۰ ۷-۷-۴: تشخیص در اشعار شفیعی
- ۲۸۳ ۸-۷-۴: تناقض در اشعار دکتر شفیعی کدکنی
- ۲۸۷ ۹-۷-۴: نماد در شعر شفیعی
- ۳۰۲ ۱۰-۷-۴: اغراق در شعر شفیعی
- ۳۰۲ ۱۱-۷-۴: حس آمیزی در اشعار شفیعی
- ۳۰۶ ۸-۴: تصاویر تفصیلی و اجمالی
- ۳۱۳ ۹-۴: تصاویر اثباتی و اتفافی
- ۳۱۶ ۱۰-۴: تصاویر زبانی و مجازی
- ۳۲۰ ۱۱-۴: برون‌گرایی یا درون‌گرایی تصویر
- ۳۲۳ فصل پنجم: میزان همسویی محورهای عاطفه
- ۳۳۷ منابع و مأخذ

پیشگفتار

هدف اصلی از تألیف این کتاب، معرفی نوعی نقد و تعریف خوانشی دیگر از متون معاصر است که با رویکرد به شعر دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی صورت گرفته است. غفلت از همسویی یا عدم همسویی محورهای گوناگون شعر، در مطالعات متون معاصر به وفور دیده می‌شود و این نوع خوانش از متون، دریافته است که در صورت عدم همسویی محورهای اصلی مانند صورخیال و عاطفه، پیام متن منسجم و سامان یافته، ارایه نمی‌شود. پژوهش‌های شعرشناسی در دو دهه اخیر در شعر معاصر، سیر و سوق تفسیری و توصیفی یافته است و برای باز تولید خوانش‌های سالم و حساب شده از شعر معاصر، نیاز است که به نگاه‌هایی مانند: پیوند عناصر اصلی شعر به همدیگر توجه شود. در نقد عاطفه و همسویی صورخیال با آن، ذات شعر در مرکز قرار می‌گیرد و از هر منبع دیگری مانند شاعر و علائق و سلیقه‌های وی اجتناب ورزیده می‌شود. این نقد از ابراز دیدگاه‌های پراکنده خودداری می‌کند و متن را در مسیری واحد که از پایه‌های اصلی درک و شناخت امروزی ما از متن‌شناسی است، قرار می‌دهد. در پژوهش‌های اخیر دلبستگی بسیار به روش‌ها و گونه‌های صورخیال سبب شده تا

پژوهش‌های متن‌شناسی در بهترین حالت، از بررسی و گردآوری مؤلفه‌های زبانی و ادبی ایماژها آن سوی‌تر نرود و به ارایه آمار و شمارگان تکراری بسنده کند.

مؤلفه‌ها و معیارهای گوناگونی وجود دارد که اثبات می‌کند که آیا محورهای شعری در خدمت عاطفه و همسو با آن بوده است یا خیر؟ از آنجا که وظیفه تمامی محورهای فنی و هنری و فرهنگی، خدمت کردن به محور عاطفه است، اثبات اینکه در این وظیفه بجا و شایسته عمل کرده‌اند یا خیر، ما را از کارهای مکانیکی و توصیفی در متون معاصر دور نگه می‌دارد.

رویکرد صورخیال علاوه بر جنبه‌های فرمی آن، ایجاد زمینه مناسب انتقال مباحث مورد نظر متن از طریق عاطفه است. تمرکز بر وظیفه همسویی و همراهی صور در مطالعات متن‌شناسی، اهمیت شایانی دارد. در این روش، صور خیال باید پاسخ‌گو باشد که در کجای هرم چستی و پیکره متن قرار دارد و در نقش‌بافت تکوین اثر چه کیفیتی از همراهی و همسویی بر عهده داشته است. شعر دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی نمونه‌ای از متن ادبی معاصر است. تمامی دفترهای ایشان در این تألیف، مورد بررسی این نوع نقد قرار گرفته است. کشف مواضع همسویی و همراهی صورخیال با عاطفه که کار این نقد است، در بررسی و کشف مبانی فکری متن معرفی شده، اهمیت بسزایی دارد.

افرادی چون دکتر یدالله جلالی پنداری نقش ویژه‌ای در تکوین این کتاب دارند و نیز سپاسگزار دکتر سیدجعفر حمیدی می‌باشم که علاوه بر نگارش مقدمه، نکاتی بجا و ارزنده یادآور شدند و نیز قدردان جناب عزیزی خوش‌ذوق و پرتلاش، مدیر محترم نشر روزگار، هستم که در

|| ترجمانِ صبح || ۱۳

چاپ این اثر، لطف و عنایتِ وافر نمودند. شادی و بهروزی همگی را
از خداوند بزرگ آرزو مندم.

دکتر بشیرعلوی

بوشهر - مهر ۱۳۹۶

مقدمه

دکتر شفیعی کدکنی، خود شاعر تأثیرگذاری است. کتاب های شعر او؛ زمزمه ها، شبخوانی، از زبان برگ، مثل درخت در شب باران، از بودن و نبودن، بوی جوی مولیان، هزاره ی دوم آهوی کوهی، در کوچه باغ های نیشابور و ... همه آثاری هستند که تأثیر بسیار بر اندیشه های شاعران معاصر نهاده اند.

مؤلف، بشیر علوی، پس از مقدمه، کتاب را به پنج فصل و یک نتیجه تقسیم نموده اند که فصل اول آن زندگی نامه دکتر شفیعی کدکنی و فصل دوم بررسی عاطفه و محورهای آن است. چگونگی نگاه شفیعی در اشعارش به عاطفه که اصلی ترین پیام و رکن اصلی شعر است، گویای حرکت و تفکر شعری وی است.

هرچه عاطفه قوی تر و محسوس تر باشد، ماندگاری و دایره نفوذ شعر بیشتر و وسیع تر است. تمامی شعرهایی که در اذهان و خردهای جمعی انسان ها ماندگار شده اند همگی دارای عاطفه ای سرشار و متعالی هستند. عاطفه نگاه شاعر به جامعه و محیط پیرامون خود است. تمامی احساس هایی که شاعر به جامعه ی اطراف خود دارد، از جمله عواطف

انسانی یا غیر انسانی، ابعاد یا بخش‌های عاطفه را تشکیل می‌دهند و همه این مسائل از دو حالت پایدار و ناپایدار بیرون نیست. ایجاد یک شعر نیک محصول عملکرد عاطفه خوب است، هرچه سطح عاطفی در یک شعر قوی‌تر باشد، به همان اندازه نیز میزان تأثیرگذاری شعر بالا می‌رود (ص ۷). دکتر شفيعی کدکنی در آغاز، سرودن شعر را با غزل و قالب‌های کلاسیک آغاز کرد و در این مرحله ابتکارات فراوانی را از خود نشان داد و انواع عواطف را در شعر خود به کار برد و به تجربیات بسیار دست یافت، دردهای زمانه و مشکلات جامعه را احساس کرد و زبانی پخته یافت، در نوگرایی و قالب‌های نیمایی به ابتکاراتی دست یافت.

نخستین دفتر سروده‌های دکتر شفيعی، زمزمه‌ها، به زبانی لطیف و تغزلی دلتنگی‌ها را که ناشی از عقب ماندگی اجتماع بود نشان داده است. در دفتر دوم، شبخوانی، نیز این روش را ادامه داد اما در این محدوده توقف نکرد و در دفترهای بعدی، فریادهای اجتماعی را سرود، دغدغه‌ها و فریادهای مردم را شنید و از نگرانی‌های جامعه سخن گفت، از تحولات اجتماعی به مناظر سیاسی نگاهی انداخت اما، هیچگاه به دنبال سیاست نرفت.

هیچ شعری عاری از عاطفه نیست، عاطفه نوع شعر را نشان می‌دهد که یا فردی است یا اجتماعی و یا انسانی که آن‌ها را «من فردی، من اجتماعی و من انسانی» گفته‌اند. عاطفه فردی از رویدادها و دلتنگی‌های شاعر یا نزدیکان او حکایت دارد. عشق، غم، اندوه، غربت، خشم، اعتراض فردی، نفرت، یأس و نومیدی و غیره در شعر از من شخص شاعر حکایت دارند. به تدریج که شاعر به جامعه روی آورد و دلتنگی‌ها، عقب ماندگی‌ها، تبعیض‌ها و غیره را در جامعه درک کرد و

به شعر آورد به من اجتماعی نزدیک شده است که بالاترین و ارجمندترین دوره شاعری است.

عواطف بشری و انسانی در اشعاری است که «نه از انسان می‌گوید و نه از دردهای جامعه بلکه به قول دکتر شفیعی از مرز زمان و مکان محدود فراتر می‌رود و عمق شعر بیشتر می‌شود» اگر شاعر بتواند از عواطف فردی و اجتماعی خود برهاند، به این مرحله انسانی می‌رسد مثل اشعار عرفانی مولانا، فریادهای زیبای خیام و اندیشه‌های ناب حافظ.

این تألیف، عواطف مختلف شعری دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی را در بوته نقد قرار داده، همه عاطفه‌های فردی، اجتماعی و انسانی را در شعر او ارزیابی نموده و شواهد بسیار از شعر شفیعی برای گفتار خود آورده است.

مؤلف معتقد است که اگرچه من فردی یا عاطفه فردی در کتاب‌ها و اشعار اولیه دکتر شفیعی کدکنی صفحاتی را به خود اختصاص داده است، اما شاعر به زودی به من اجتماعی رسید. دلنگی‌ها و دردهای جامعه را درک کرد، اما مضامین انسانی و فرهنگی را نیز رها نکرد و به عاطفه انسانی قوی راه یافت.

در شعر شفیعی فردگرایی، فردیت و احساسات شخصی شاعر نسبت به مقوله‌ی عشق، نمود بیشتری دارد و چون اشعار اجتماعی و انسانی او دارای یک انرژی مثبت و تلقین‌کننده است، نمی‌توان او را به عنوان یک شاعر عاشقانه سرا معرفی کرد ولی عشق اندک و کمیاب او در همین اشعاری که دارد انسان را دگرگون و متحول می‌کند. همچنین دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی از جمله شاعرانی است که شعرش همراه با نگرانی‌های نوستالژیکی است به ویژه در مجموعه

«شبخوانی» نوستالژی احساس درد و حسرت نسبت به آن چیزی است که گذشته و از دست رفته است. نوستالژی یاد گذشته، زادگاه، وطن، غربت و «عناوینی مثل: زادگاهم، در کوچه باغ های نیشابور، کدکن، در جست و جوی نیشابور، زن نیشابور و دکتر شفیع کدکنی از نظر فرهنگی و درک مفاهیم و تشخیص اوضاع، متوجه عدم حضور آزادی و مفاهیم بنیادی شده که گروهی از آنان در گذشته‌ی این سرزمین جاری بوده است و یکی از پر بسامدترین عناوینی که در شعر وی رقم می‌خورد و دیده می‌شود همین بحث است به ویژه در دفتر «شبخوانی».

این شهر یخ زده در بستر سکوت

جای تو ای مسافر آزرده پای نیست (شبخوانی، ۱۳)

همچنین در این دفتر با استفاده از اسطوره‌های ایرانی چون «بیژن»، «سیاوش» و «افراسیاب»، تلمیحات خاص در همین زمینه ایجاد می‌کند که یادآور بیژن در بند و سیاوش در آتش است. نمونه‌های بسیار از این گونه دلتنگی در جای جای اشعار دکتر شفیع کدکنی می‌توان دید. در دفتر «خطی ز دلتنگی» و شعرهایی مثل «در این قحط سال دمشقی»، «باران پیش از رستاخیز»، «هفت سالگی» و... که پر از این گونه مضامین است.

راستی بی رحم بارانی است / کس نمی‌باید به یاد از عهد تاتاران / تا به اکنون این چنین باران / که فرو شوید ز دل‌ها شوق‌ها و یادها و آرزوها / همچنان می‌شوید از آفاق / هرچه در هر جای / خاک و خون و خاطره برجاست / راستی بی رحم بارانی است.

این آشنازدایی که که لطافت باران را به خشونت و خون و خاطره تبدیل کند و نمونه‌های آن در جای جای اشعار دکتر شفیع کدکنی به ویژه در کتاب «خطی ز دلتنگی» می‌بینیم، یادآور درد دل‌ها و تأثیرات

شهاب‌الدین محمد خرندزی زیدری نسوی (ق ۷) منشی مخصوص جلال‌الدین منکبُرنی (خوارزمشاه) در کتاب «نفثه المصدور» که همزمان و پس از هجوم تاتارها به ایران نوشته شده است (۶۳۹ ه. ق).

اگرچه در سرتاسر اشعار شفیعی، انسان و آزادی مطرح است گاهی صراحت و آشکاری بسیار از صلابت شعری می‌کاهد. در عین حال تسلط شاعر و قدرت او در بیان افکار و اندیشه‌های خود، از موقعیت بسیار برخوردار است و گمان نمی‌کنم تا کنون هیچ شاعر معاصری بدین گونه به اشاعه افکار خود پرداخته باشد. دکتر شفیعی کدکنی شاعری است فعال، متعهد، پرتجربه و پر دانش که در تمام دوران شاعری سیر صعودی داشته و در تمام سال‌ها دانش و تجربیات خود را در اختیار، علاقه‌مندان و دانشجویان و شاعران قرار داده و دلیل آن تألیف، تصنیف و تصحیح ده‌ها کتاب و مقاله و رساله است که نه تنها خواص بلکه عموم نیز از آن‌ها بهره می‌برند.

عاطفه اجتماعی در شعر دکتر شفیعی پر کاربردترین است. نوعی وفاداری به اندوه‌های مردم خود دارد و خود را مقید به فریاد و آزادی خواهی می‌داند. همچنین عواطف فردی شاعر در شعر از بسامد بالایی برخوردار است که در دفترهای شعر او به خوبی در می‌یابیم، ماندگارترین نوع عاطفه در شعر شفیعی عواطف بشری و انسانی است. دکتر شفیعی کدکنی به دنبال هویت انسانی است. « هویت انسانی در کنار مضامینی چون زندگی و درد زیستن با چاشنی مضامین سیاسی و اجتماعی، ارزش هنری و اجتماعی خاص به شعر شفیعی داده است. آزادی با تمام متعلقاتش یکی از قوی‌ترین بن‌مایه‌های فکری و شعری دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی است که معمولاً در تمامی دفترهای خود سراغی از آن گرفته است و برای آن سروده و این

سرایش و فریاد هم برای تحقق آزادی است. در شعرهای دکتر شفیعی کدکنی شاهد هر سه نوع «من» هستیم، من عاطفی، من اجتماعی و من انسانی که مؤلف در کتاب خود از میزان حضور عواطف بشری و انسانی در دفترهای شعر شفیعی کدکنی یاد کرده است.

فصل سوم کتاب مربوط است به صورخیال و بن‌مایه‌ها در جهت گونه‌های همسویی که ابتدا شاعر، زبان را از قابلیت و توانایی کافی برای تجسم ادراکات شهودی برخوردار نمی‌بیند، بنابراین با انحراف از قواعد متعارف زبان و گذشتن از سطح خودکاری، آن را در مسیری شاعرانه بازسازی می‌کند. هر کدام از گونه‌های صورخیال در بازسازی متن و حرکت رو به جلوی عاطفه نقشی و وظیفه‌ای دارند، هر قدر متن با صور خیال گیراتر و در هم تنیده‌تر باشد، عاطفه به راحتی به خواننده انتقال می‌یابد.

فصل سوم از پربارترین و توانمندترین فصول کتاب است که گونه‌های مختلف صورخیال را معرفی نموده و توضیح داده است و از میان صورت‌های خیال که همه در خور و شایسته‌ی عاطفه هستند. پارادوکس و نماد را از قدرتمندترین صوری دانسته‌اند که می‌توانند عاطفه شعری را ماندگار و پویاتر نمایند. این دو صورت خیال از آنجا که در تأویل‌دهی به متن، نقش بسزا و مانایی دارند می‌توانند باعث زمان‌دار شدن متن شوند و هر کسی توانایی بهره‌گیری و لذت ادبی را از آن دارد.

در فصل چهارم به بررسی صور خیال و گونه‌های آن در شعر دکتر شفیعی و همسویی آن با عاطفه شعری پرداخته‌اند. توجه به رنگ در این فصل در اشعار شفیعی جایگاه خاصی دارد. نمودارهایی که برای استفاده‌ها و بسامد تشخیص در شعر شاعر در این فصل ترسیم شده،

قابل توجهند. نماد یکی از گسترده‌ترین و پرکاربردترین تصویر اشعار دکتر شفیعی کدکنی است که عموماً از طبیعت و لوازم آن گرفته شده است و شفیعی طبیعت را به عنوان اهرمی معجزه‌گر در خدمت می‌گیرد. فصل پنجم « میزان همسویی محورهای عاطفه با صور خیال » را بازگو می‌کند که شاعران از رهگذر تصویر، عواطف را پی‌ریزی می‌نمایند و با تمسک به ایماژهای خود حالات عاطفی را که ذات شعر هستند بنا می‌نهند. با معیارها و ابزارهای گذشته نمی‌توان به زیباشناسی معاصر پرداخت. ساختار و بافت و رفتارهای شعر امروز تغییر کرده و دگرگون شده و شرایط تازه‌ای پدید آمده است که این شرایط تازه باید با مبانی امروزی، نه پیشین بررسی شود. در ترسیم صور آنچه بسیار اهمیت دارد هماهنگی آن با عاطفه است. از عشق گفتن و سرودن، همسو با تشبیه و استعاره و از سیاست و شورشگری سرودن، همراهی مطلوبی با نماد و کنایه دارد. تصاویر هر چه ابتکاری و نو و دلنشین باشد، همسویی دلنوازی با عاطفه دارند. دکتر شفیعی کدکنی بومی‌گرایی به نسبت قابل قبولی در تصاویر شعری داشته است و این بومی‌گرایی اعتلای تصویر را موجب می‌شود و اعتلای تصویر در همسویی و قدرت به عاطفه مؤثر بوده است. تصاویر شفیعی ابتکاری و ابداعی است، نوع رنگ‌ها متنوع است و گیرا.

این کتاب سومین کتاب مؤلف می‌باشد. « نیلوفران خونین » و « نقد چهار جانبه در شعر معاصر » دو کتاب قبلی مؤلف می‌باشند که هر دو کتاب با دقت و موشکافی بسیار، اولی در مورد شهیدان و دومی در نقد شعر معاصر با گرایش به شعر زنده‌یاد منوچهر آتشی، زیور چاپ یافته‌اند.

کتاب «ترجمان صبح» یا نقد و بررسی اشعار دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (م.سرشک)، که توسط دکتر بشیر علوی نوشته شده، کتابی است کامل در جهت شناخت و شناختن آشکار شعر امروز ایران. این کتاب نه تنها در نقد و بررسی اشعار دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی است، بلکه در حقیقت در بررسی اشعار راهی گشوده شده است به شناخت و ریشه‌شناسی شعر معاصر ایران، این کتاب را می‌توان دایره‌المعارف یا فرهنگنامه‌ای، دانست برای معرفی و شناسایی شعر امروز ایران. توجه به موقعیت شعر و نظر دوختن به گوشه‌ها و جنبه‌های مختلف شعر امروز که این کتاب را بسیار خواندنی و قابل توجه ساخته است. توفیق نویسنده محترم را در آثار دیگر در جهت معرفی و شناساندن شعر امروز از خدای بزرگ خواستارم.

دکتر سید جعفر حمیدی

آبان-۱۳۹۶

فصل اول
زندگی نامه دکتر شفیعی کدکنی

محمدرضا شفیعی کدکنی در تاریخ نوزدهم مهر ماه ۱۳۱۸ در کدکن یکی از روستاهای تربت حیدریه‌ی خراسان و در یک خانواده‌ی روحانی - کشاورز متولد شد. پدرش شخصیتی شگفت داشت. او برای تهذیب ساختاری شخصیت تنها فرزند خانواده از هر شیوه‌ای استفاده می‌کرد و به درستی که حامل بخشی از فرهنگ و تمدن اسلامی آن روز خراسان بود. مادر او نیز طبع شعر داشت بدون اینکه بتواند بنویسد، می‌خواند و می‌سرود. دکتر شفیعی کدکنی در توصیف مادرش می‌نویسد: «تمام کتاب‌های خانگی ما را با حافظه‌ی وحشتناکش خوانده بود و به خاطر داشت، اشعار خیلی خوبی هم می‌سرود. در مدح امام حسین (ع) و... او به من می‌گفت و من با خط بچه‌گانه‌ام می‌نوشتم، او نوشتن بلد نبود با اینکه سواد فارسی و عربی خوبی داشت نوشتن نمی‌دانست. دکتر شفیعی کدکنی قبل از ورود به حوزه علمیه آن روز خراسان در نزد پدرش میرزا محمد شفیعی کدکنی مقدمات علوم دینی از قبیل جامع المقدمات و کنایه آخوند خراسانی را فرا گرفت. پس از ورود به حوزه علمیه دریچه‌های جدیدتری به روی وی باز شد. در نزد حاج میرزا احمد مدرس یزدی ملقب به «نهنگ» شرح لمعه و قوانین میرزای قمی و در نزد مرحوم فلسفی اصفهانی، فلسفه و منطق را آموخت. یکی از شخصیت‌های شاخص آن دوره که در حوزه علمیه مطرح بود و در تکوین شخصیت دکتر شفیعی کدکنی نقش داشت، ادیب نیشابوری

معروف به ادیب دوم بود. «ادیب دوم در کنار متونی مانند سیوطی و معنی و مطول و مقامات حریری با استناد به اشعار شعرای کلاسیک نوعی ادب تطبیقی را به طلاب جوان می‌آموخت. (بشردوست، ۲۳: ۱۳۷۹-۲۵).

دکتر شفیعی کدکنی پس از مطالعه دروس جدید و موفقیت در امتحان وارد دانشگاه مشهد شد در دانشگاه چهره‌هایی مانند دکتر فیاض، دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر رجایی خراسانی آفاق جدیدی را به روی وی گشودند. با حضور طولانی در محضر بزرگانی که به آنها اشاره شد و رفت و آمد در محافل سنتی آن روز خراسان و تأمل در متون کلاسیک، عملاً شاعر را به طرف نوعی سنت‌گرایی سوق داد.

از منظر شاعریر هر محقق و شاعر ایرانی فرض است که چند و چون شعر کلاسیک را بداند و سپس وارد زمینه‌های دیگر شود. دکتر شفیعی کدکنی خیلی زود از قالب کهن و کلاسیک پا فرا نهاد و به قلمروهای تازه‌تر هنری دست یافت. گویا اولین بار «شعر مریم» اثر توللی است که دریچه نسبتاً جدیدتری را به روی او می‌گشاید. وی پس از ترک دانشگاه مشهد وارد دانشگاه تهران می‌شود و اینجاست که با چهره‌هایی مانند بدیع‌الزمان فروزانفر و خانلری حشر و نشر داشت و به مدت پنج سال در محضر فروزانفر با مثنوی و لایه‌های زیر و معانی گوهرین مثنوی آشنا می‌شود. فروزانفر نسبت به دکتر شفیعی کدکنی نظر مثبتی داشت و در روز دفاعیه‌اش زیر برگه‌ای که مبین استخدام ایشان در دانشگاه تهران بود، نوشت: «احترامی است به فضیلت». شفیعی کدکنی مدتی هم در بنیاد فرهنگ ایران و کتابخانه مجلس سنا به کار اشتغال ورزید و سپس به عنوان استاد دانشکده ادبیات تهران در رشته

سبک شناسی و نقد ادبی به کار مشغول شد. سال‌ها بعد «شفیعی کدکنی بنا به دعوت دانشگاه‌های آکسفورد و پرینستون به انگلستان و آمریکا سفر کرد و به عنوان استاد به تدریس و تحقیق مشغول شد» (همان، ۷۸-۷۹). تمایل به فرهنگ خراسان و نیشابور تقریباً در تمامی آثار و حتی در افکار ایشان نمایان است. این نوع تمایل البته بعدها موجب نزاع بین ایشان و برخی از شاعران غیر خراسانی نیز شده است. دکتر شفیی کدکنی به عرفان و تصوف خاصه از نوع خراسانی آن تمایل شدیدی دارد و در میان عرفای گذشته بیشتر به ابوسعید ابوالخیر علاقه‌مند است. با اینکه در اشعار خود شدیداً اجتماع‌گرا و نوع دوست هست، ولی هرگز شعر و تحقیق را ابزاری برای اثبات و اظهار تمایلات سیاسی و حزبی نکرد. زبان شعر او فصیح و دقیق و روشن است. او با شعر خود گونه‌ای از بارورترین زبان‌های تمثیلی شعر معاصر را به نام خود ثبت کرده است. زبانی نرم و پرتوان دارد، تصاویر خیال در شعر او به اوج می‌رسد. او هرگز به دنبال وزن‌های عجیب و غریب نمی‌رود و قافیه را همچون عنصری خارج از شعر تصور نمی‌کند. اشعار او غالباً رنگ اجتماعی دارد. اوضاع جامعه‌ی ایران در دهی چهل و پنجاه، در شعر او به صورت تصویرها و رمزها و کنایه‌ها منعکس می‌شود. وی شاعری نماد‌گراست، اما آنچه درباره‌ی نمادهای به کار رفته در مجموعه‌های شعریش گفتنی است، این است که این نمادها یا از عناصر و پدیده‌های مربوط به طبیعت اخذ و اقتباس شده و یا متن میراث‌های فرهنگی وادبی و اساطیری گذشته فارسی برگرفته شده‌اند. کدکنی با زیر و بم الفاظ فارسی بسیار آشناست و در ابداع ترکیب‌های زیبا و نو خلاقیت فراوان دارد. او در شعر از دیدگاهی انسانی و اجتماعی سخن می‌گوید و اندیشه‌ها و دریافته‌ها و پدیده‌های زیبای جهان شاعرانه‌ی خود را به

صورتی دلکش و پر تأثیر به خواننده عرضه می‌دارد. صبغه‌ی دینی اشعار شفیعی کدکنی نیز یکی از ویژگی‌های قابل توجه است. بسیاری از واژه‌ها، مضامین و مفاهیم اشعارش از متن فرهنگ و تمدن اسلامی اقتباس شده است. شعر شفیعی «در یک چشم‌انداز کلی، اصولاً شعری-ست مردمی و جامعه‌گرا و مبارز و متعهد و آرمان‌خواه با زبانی سنجیده و استوار» (فولادوند، ۱۳۸۸: ۱۷) روایی بودن اشعار، استفاده از عنصر تکرار، تأثیر پذیری از ساخت نحوی کهن به ویژه ساخت نحوی سبک خراسانی، صورت و ساخت مکالمه‌ای و وجود رنگ مایه‌ی فلسفی در اشعار شفیعی کدکنی از دیگر ویژگی‌های اشعار اوست (شکیبا، ۱۳۷۰: ۹۷).

آثار:

«زمزمه‌ها» نخستین دفتر شعری دکتر شفیعی کدکنی می‌باشد که در سال ۱۳۴۴ منتشر شد و شاید از نظر قلب و قالب ضعیف‌ترین دفتر شعری اوست. دکتر شفیعی کدکنی خود در این باره می‌گوید: به نظرم رسید که بعضی از شعرها از جمله تمامی دفتر زمزمه‌ها را که روحیه عاریتی و بیمارگونه سبک هندی حاکم بر بعضی از غزل‌های آن را دیگر به هیچ وجه نمی‌پسندم؛ ولی دیدم همان‌هایی که چنین اندیشه‌هایی درباره آنها دارم بارها و بارها در حافظه دیگران دیده‌ام. بهترین شعر برای هر کس شعری است که آن را با دل خویش هماهنگ بیند به احترام چنین دل‌هایی از این کار چشم پوشیدم.

«شبخوانی» اثر دوم وی که در همان سال ۱۳۴۴ خلق شد، حاصل تلاش او برای رهایی از همان علف‌های عاریتی که باغ شعر او را

تسخیر کرده بودند، شد. برای این کار هم فرم بیرونی شعرش را تغییر داده و هم محتوای آن را. اکثر اشعار این مجموعه، در قالب‌های نیمایی و نیمه سستی است، در حالیکه «زمزمه‌ها» در قالب سستی بود. اطلاق نام شبخوانی به این مجموعه گویای جامعه‌گرایی شاعر است. شبخوانی در زبان و عرف مردم خراسان معنی اصطلاحی و خاصی دارد: مناجات‌های شبانه را که در ماه روزه برای بیدار شدن مردمان بر فراز مناره‌ها می‌روند و می‌خوانند، مردم خراسان شبخوانی می‌گویند و مرد خواننده را شبخوان می‌نامند. شاعر احساس می‌کند که کار او و کار شبخوان کاری است همسان و همسو. کار شبخوان بیداری در شب‌های ماه رمضان و بیدار کردن مردمان است و کار شاعر آن است که در زمانه‌ای که همه‌ی مردمانش «چون گله‌ی خوش چرای بی‌چوپان، در دره‌ی خواب‌ها رها گشتند» به بیداری آن‌ها بیندیشد. دفتر سوم که در سال ۱۳۴۷ انتشار یافت از زبان دکتر عبدالحسین زرین کوب این چنین توصیف می‌شود: «دکتر شفیع کدکنی وقتی در سالهای ۱۳۴۳ و ۱۳۴۵ از زادگاه خود، خراسان، به شهر غرق ازدحام آهن و فولاد تهران روی می‌آورد از زبان برگها سخن می‌گوید و گویی انس با طبیعت که یادگار سال‌های کودکی و جوانی اوست، همچنان او را به سوی خود می‌کشاند و زمینه‌ی آهن و پولاد نیمی‌تواند شاعر را از طبیعت مأنوس خود جدا سازد. از این روست که از زبان طبیعت سخن می‌گوید: از باد و باران، از گل و گیاه، از معنای جوی باران و از زبان برگ، او با طبیعت همراز و مأنوس است آن را خوب می‌شناسد و می‌تواند به راز عاشقانه فاصله گیرد، اما روح لطیف تغزلی او با عشق به کائنات، عشق به طبیعت و همه مظاهر آن جلوه‌های خاص می‌یابد و این عشق در طرف مظاهر طبیعی کافی نیست تا شعر او را مطلوب و مقبول همگان نماید».

اصلی‌ترین ویژگی این دفتر همین طبیعت‌گرایی است و تمام سطوح شعر، از زبان گرفته تا موسیقی و عاطفه و حتی درون‌مایه آن، کاملاً متأثر از این موضوع است.

شاعر در «از زبان برگ» (۱۳۵۰) مجموعه‌ای را ارائه کرد که تمامی مشخصه‌های سبکی شاعران خراسان را می‌توان در آن دید. در دفتر «در کوچه باغ‌های نیشابور» زبانی شفاف و بی‌ابهام مشاهده می‌شود. موارث فرهنگی و سنن تاریخی و زمینه‌های رستگاری، طبیعت‌گرایی، نمادگرایی، اسطوره‌گرایی، التزام به وزن موسیقی، دردمندی، منطق مکالمه، روایت‌گری و توصیف در جای جای کتاب مشاهده می‌شود.

«مثل درخت در شب باران» برگزیده ایست از اشعاری که شاعر از سالهای ۴۴ و ۴۵ تا سال ۱۳۵۶ سروده است، شامل چهار بخش: مخاطبات، چند تأمل، غزلیات و رباعیات است. در این مجموعه که هم از لحاظ شکل و هم از جهت محتوا دارای تنوع و تفنن است، شفיעی آزمون‌های تازه‌ای از شعر ناب، در این بخش ارائه می‌دهد در دفتر «مثل درخت در شب باران» بر خلاف دو مجموعه پیشین، نگاه شاعر متوجه درون خود شده و شعر او چیزی نیست جز برخورد غنایی شاعر با طبیعت. به همین نسبت، روح جامعه‌گرایی به معنای سیاسی کلمه در این دفتر ضعیف‌تر شده است. بسیاری از اشعار این دفتر در آن سوی مرزهای ایران سروده شده‌اند (شافعی، ۱۳۸۱: ۷۶). «از بودن و سرودن»، تجربه‌های اندیشه‌ای - عاطفی دیگری را به ما نشان می‌دهند. مسیر حرکت شعر دکتر شفיעی کدکنی، از شعر احساساتی به طرف شعر اجتماعی - سیاسی و سپس شعر فرهنگی - انسانی است. در دو اثر اخیر شاعر «از میدان سیاست و اجتماع به سطح بالاتری فرهنگ و انسان گام می‌نهد» (همان: ۹۴).

«بوی جوی مولیان» دفتر است که در قیاس با دفتر پیشین بیشتر غم غربت (من) شاعر را نشان می‌دهد. این که شاعر در این دفتر چند بار به آواره یمگان التفات می‌کند، حاکی از آن است که شاعر این اشعار را در غربت سروده و حس و حال شاعران آواره و تنها را مدام فرا یاد می‌آورد. شاید آنچه شاعر خراسان را به آواره یمگان پیوند می‌زند، علاوه بر غم غربت تعهد اجتماعی و رسالت انسانی و باور دردمندانه‌ای باشد که در هر دو مشترک است. ناصر خسرو به خاطر دفاع از آرمانهای فلسفی - اجتماعی‌اش مدام مجبور به تجربه آوارگی و بی پناهی و غربت بود. اما آنچه دکتر شفیع کدکنی را از آواره یمگان جدا می‌کند، نوع نگاه و نظرگاهی است که هر یک به هستی دارند. دکتر شفیع کدکنی تمامی اشعار این دفتر به جز شعر (هویت جاری) را در شهر پرینستون (از ایالات متحده آمریکا) در فاصله تابستان ۱۹۷۵ تا تابستان ۱۹۷۷ سروده است. هزاره‌ی دوم آهوی کوهی حاوی پنج دفتر و دو بیست و چهل چهار قطعه شعر است. «مرثیه سرو کاشمر» بیست و هشت قطعه، «خط زدلتنگی» پنجاه و دو قطعه، «غزل - برای آفتابگردان» شصت و سه قطعه، «در ستایش کبوترها» چهل و شش قطعه و «ستاره‌ی دنباله دار» پنجاه و پنج قطعه شعر را در بر می‌گیرد. در میان این قطعه‌ها همه گونه شعر یافت می‌شود؛ غزل - قصیده - رباعی و ... تاریخ سرایش اشعار نیز برخی به سال‌های چهل و پنجاه برمی‌گردد و برخی به سال‌های شصت و در ادوار شعر فارسی شفیع کدکنی به سه من «فردی» - «اجتماعی» - «جهانی» پرداخته است و من «جهانی» را بر دو من دیگر ترجیح داده است. از طرفی با ترسیم نمودار شاعرانی که در رتبه نخست نزد خواص مقبولیت و محبوبیت دارند بر دیگر شاعران رجحان می‌نهد خاصه بر شاعرانی که ابتدا قلب و روح عوام را تسخیر

کرده، اندک اندک وارد قلمرو و تفکر خواص و مقبولیت اوساط الناس و عوام می‌شوند.

دکتر شفیعی کدکنی در هزاره‌ی دوم می‌خواهد به یک نوع تفکر فلسفی یا هستی‌شناسی نایل شود، لذا می‌کوشد تا به علت العلل و غایه القصوای پدیده‌ها نایل آید و این درست همان عاملی است که شعر وی پیچیده و تصاویر اشعارش را غنچه کرده است. شفیعی در اغلب اشعار این دفتر به نحوی مثلث تاریخی گرای، هستی‌گرای و درون‌گرایی را مطرح کند. «البته هستی‌گرایی یا هستی‌شناسی نسبت به دو ضلع دیگر مثلث اندیشه‌ی شفیعی مرکزیت بیشتری دارد» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۴۷۸). او غیر از تألیف و ترجمه و شاعری مقالات کوتاه و بلند فراوانی نیز نوشته است. هیچ یک از مقالات ایشان خالی از لطف نیست.

آثار نظری و انتقادی و تصحیح و ترجمه:

صور خیال در شعر فارسی (۱۳۵۰)، موسیقی شعر (۱۳۷۰)، تصحیح اسرار التوحید نوشته محمد بن منور بن ابی‌سعد بن ابی‌طاهر بن ابی‌سعید بن مینهنی (۱۳۶۶)، تصحیح تاریخ نیشابور نوشته حاکم نیشابوری (۱۳۷۵)، مقدمه تصحیح و تعلیقات مختارنامه (۱۳۶۹)، مقدمه تصحیح و تعلیقات مصیبت‌نامه (۱۳۸۶)، مقدمه تصحیح و تعلیقات منطق‌الطیر (۱۳۸۳)، مقدمه تصحیح و تعلیقات اسرارنامه (۱۳۹۰)، مقدمه تصحیح و تعلیقات الهی‌نامه (۱۳۸۷)، مقدمه ترجمه و تعلیقات بر آفرینش و تاریخ از طاهر بن مطهر بن مقدسی در دو جلد (۱۳۷۴)، مفلس کیمیا فروش درباره شعر انوری (۱۳۸۴)، زبور پارسی نگاهی به زندگی و

غزل‌های عطار(۱۳۱۰)، در اقلیم روشنایی تفسیر چند غزل حکیم سنایی(۱۳۷۳)، شاعر آینه‌ها بررسی سبک هندی و شعر بیدل دهلوی(۱۳۷۴)، آن سوی حرف و صوت گزیده اسرارالتوحید(۱۳۷۲)، دفتر روشنایی (درباره بایزید بسطامی)(۱۳۸۴)، نوشته بر دریا (درباره ابوالحسن خرقانی) (۱۳۸۴)، چشیدن طعم وقت (درباره ابوسعید ابوالخیر) (۱۳۸۴)، در هرگز و همیشه انسان (درباره خواجه عبدالله انصاری) (۱۳۹۴)، درویش ستیهنده (درباره شیخ جام ژنده‌پیل) (۱۳۶۶)، زبان شعر در نثر صوفیه درآمدی به سبک‌شناسی نگاه عرفانی(۱۳۹۲)، مقدمه تصحیح و تعلیقات برحالات و سخنان ابوسعید تألیف جمال‌الدین ابوروح لطف‌الله بن ابی‌سعید بن ابی‌سعد(۱۳۶۶)، ادوار شعر فارسی از مشروطه تا سقوط سلطنت(۱۳۵۹)، زمینه اجتماعی شعر فارسی(۱۳۱۵)، قلندریه در تاریخ دگردیسی‌های یک ایدئولوژی(۱۳۱۶)، ترجمه تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا نوشته رینولد نیکلسون(۱۳۷۴)، تصحیح غزلیات شمس تبریز (۱۳۸۱)، مقدمه‌نویسی و انتشار تصویر نسخه خطی منظومه علی‌نامه(۱۳۸۱)، مقدمه تحلیلی و تعلیقات بر دیوان قائمیات(۲۰۱۵)، با چراغ و آینه در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران(۱۳۹۰)، حالات و مقامات م. امید (مهدی اخوان ثالث) (۱۳۹۰)، شاعری در هجوم منتقدان(۱۳۷۶)، مقدمه تصحیح و تعلیقات مرموذات اسدی در زمزمورات داودی از نجم‌الدین رازی(۱۳۸۱)، رستاخیز کلمات درس گفتارهایی درباره تئوری فرمالیسم روسی(۱۳۹۱)، ترجمه آوازهای سندباد سروده عبدالوهاب البیاتی(۱۳۴۸)، شعر معاصر عرب(۱۳۵۹)، تازیانه سلوک(۱۳۹۰)، حزین لاهیجی: زندگی و زیباترین غزل‌های او(۱۳۴۲)